

فرمانده تخریب

خاطرات شفاهی نادر مرید مشتاق

گفت‌وگو و نگارش:
حسین ادهمی



انتشارات نکو آفرین

حوزه هنری استان گیلان



فرمانده تخریب (خاطرات نادر مرید مشتاق)

گفت‌وگو و نگارش: حسین ادهمی

ویراستار: محمد پرچلم

نخه آرای: مهیار پرچلم

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۰۵-۳-۱

مآزات: سواهریر

سروش مه: ادم حسب ۱۳۶۰ -

عنوان و پی: ور: فرمانده تخریب: خاطرات شفاهی نادر مریدمشتاق/

گفت‌وگو و نگارش: حسین ادهمی؛ به‌سفارش حوزه هنری گیلان؛

مشخصات نشر: نکواف ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۵۲۶ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۰۵-۳-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴

موضوع: 20th century -- Persian fiction

موضوع: مرید مشتاق، نادر، ۱۳۳۸ - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - داستان

شناسه افزوده: حوزه هنری استان گیلان

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ق۴/د۹ PIR۸۳۳۴

رده‌بندی دیویی: ۸۵۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۴۵۳۲۲

artguilan

فصل	صفحه
۱	یادداشت حوزه هنری گیلان ۹
۲	یادداشت نویسنده ۱۱
۳	بازجویی ساواک در مدرسه ۱۵
۴	خانه نوروزپور ۲۵
۵	دوران مدرسه ۳۳
۶	محلله‌های دباغیان و چله‌خانه ۳۷
۷	مدرسه جامع ۴۱
۸	دوران پرشور نوجوانی ۴۵
۹	خاله حلیمه ۵۱
۱۰	علی پاسبان ۵۷
۱۱	خانم ارمنی ۶۵
۱۲	به میمنت آفت خمینی! ۷۳
۱۳	تکلیف ثلاثتین ۳ ۸۱
۱۴	حمله به ساختمان ساواک ۸۳
۱۵	هرج و مرج روزهای پس از ♦ روزی آلاب ۸۷
۱۶	گروه‌های سیاسی ۹۱
۱۷	ماجرای کتابخانه ۱۰۱
۱۸	درگیری دانشگاه سال ۱۳۵۹ ۱۰۷
۱۹	آغاز جنگ ۱۱۵
۲۰	باختران و حمله هوایی به پادگان ۱۲۳
۲۱	داربلوط ۱۳۱
۲۲	ورود به سپاه ۱۳۷
۲۳	محافظ ۱۴۳
۲۴	زندانی توپ ۱۴۹

فصل	صفحه
۲۳	تورهای سال ۶۰ (۱۵۵)
۲۴	مدارا در صدور حکم زندانیان سیاسی (۱۵۹)
۲۵	شایعه تجاوز در زندان (۱۶۷)
۲۶	رفتار شهید ابوالحسن کریمی با یک زندانی (۱۷۳)
۲۷	بازدید روحانیون گیلان از مناطق جنگی در سال ۶۰ (۱۷۷)
۲۸	شخصیت آیت‌الله احسانبخش (۱۸۵)
۲۹	ملاقات با امام (۱۹۱)
۳۰	پیوستن به یگان تخریب (۱۹۷)
۳۱	دوره آموزش تخریب (۲۰۳)
۳۲	عملیات بیت‌المقدس (۲۰۷)
۳۳	حادثه دوم عملیات بیت‌المقدس (۲۱۹)
۳۴	اولین مرگ شهید (۲۲۹)
۳۵	قضیه انگشت (۲۳۵)
۳۶	مسئولیت تخریب منطقه سومار (۲۳۹)
۳۷	مجروحیت دوره (۲۵۱)
۳۸	خواستگاری (۲۵۹)
۳۹	مراسم عروسی و رفتن به مشهد (۲۶۹)
۴۰	مسئولیت تخریب منطقه مریوان (۲۷۹)
۴۱	حمله هوایی به پادگان شهید عبادت (۲۸۱)
۴۲	عملیات والفجر ۴ (۲۸۵)
۴۳	فرماندهی گردان تخریب (۲۹۱)
۴۴	آماده‌سازی مقدمات عملیات والفجر ۶ (۲۹۹)
۴۵	شهید علیرضا نامدار (۳۰۷)
۴۶	فرماندهی در حالت موج‌گرفتگی (۳۱۵)

صفحه	فصل
۳۲۳	۴۷ دوران درمان و رنج‌های همسر
۳۳۷	۴۸ قضیه نوشتن استعفا و ترک خدمت سپاه
۳۴۵	۴۹ آغاز تلاش برای تشکیل تیپ قدس
۳۵۹	۵۰ عملیات والفجر ۹
۳۶۷	۵۱ آمدن حسین املاکی به تیپ قدس
۳۷۱	۵۲ رفتن به دنبال بچه‌های شناسایی و گیر افتادن در برف
۳۷۹	۵۳ حساسیت‌های کار تخریب
۳۸۹	۵۴ تقویت تیپ قدس
۳۹۷	۵۵ بر سر دوراهی جبهه و دانشگاه
۴۰۳	۵۶ این قبر رو بخر
۴۰۹	۵۷ عملیات کربلای ۲
۴۲۵	۵۸ بیمارستان مراغه
۴۳۳	۵۹ بیمارستان بهارلوی اهواز تهران
۴۳۹	۶۰ خبر شهید من
۴۴۷	۶۱ بیمارستان دکتر حشمتی
۴۵۷	۶۲ بازگشت به جبهه
۴۶۳	۶۳ روحیات بچه‌های تخریب
۴۷۳	۶۴ عملیات نصر ۴
۴۸۱	۶۵ پسر موشک
۴۸۷	۶۶ کمیته پشتیبانی جنگ
۴۹۳	۶۷ قطعه‌نامه ۵۹۸
۴۹۷	سال‌شمار
۴۹۹	الیوم تصاویر
۵۲۱	نمایه

یادداشت نه

«فرمانده تعریفی» داستان زندگی نادر مرید مشتاق است؛ فرمانده‌ای که از سال‌های جنگ و مقاومت، یادگارهای فراوانی بر روح و جسم خود دارد. شاید اگر ساعتی با او بنشینم به سختی باوررت شود که قامت بلند این مرد، همان ۲۵۰ گرم ترکش‌های ریز و درشتی است که گاهی در سراسر بدنش به حرکت درمی‌آیند. زندگی‌اش را تهدید می‌کنند. شخصیت نجیب و چهرهٔ مهربانش، حجابی است که راز جانبازی‌اش را می‌پوشاند. همین چندماه پیش وقتی برای «مسابقهٔ تکمیلی» از او قرار مصاحبه خواستم، آن‌قدر تعلل کرد که از دستش دلتراور شدم. تا اینکه کاسهٔ صبرم لبریز شد و تلفنی با او تماس گرفتم. صدایش از پشت تلفن گرفته بود و جوابم را با جمله‌هایی کوتاه می‌داد. چون به خوش‌بینی و شوخ‌طبعی‌اش عادت داشتم، گمان کردم از سماجتم ناراحت شده است. خلاصه بعد از یکی دو هفته موفق به ملاقاتش شدم. در آن روز بود که فهمیدم در تمام این مدتی که بر قرار ملاقات پافشاری می‌کردم، بر روی تخت بیمارستان بود و داشت با ترکشی که در پهلوش به حرکت درآمده و وضعیت جسمی‌اش را وخیم کرده بود، دست و پنجه نرم می‌کرد، اما به من چیزی نگفته بود. واقعاً شرمند شدم.

اما جانبازی این مرد به ترکش‌های ریز و درشت نیست که در بدن دارد، حتی خیلی از نزدیکان و آشنایان او نمی‌دانند که او بارها موج‌گرفتگی را تجربه کرده و دچار ضایعهٔ اعصاب و روان است. خاطرات تلخ این فرماندهٔ قدیمی جنگ تنها از دوران سخت مجروحیت و روزهای مشقت‌بار درمان نیست؛ بلکه بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌هایی است که گاه او را تا سر حد انزوا رنجانده است. خودش در این باره می‌گوید: «من هروقت که در جبهه بودم، فرمانده بودم ولی هروقت که به پشت جبهه می‌آمدم فقط یک نیروی ساد می‌شدم. این مسئله در تمام سال‌های خدمتم در سپاه کاملاً صدق می‌کرد. من در میدان عملیاتی توانایی‌های خاصی داشتم ولی در پشت منطقه عملیاتی پست مدیریتی گرفتن مقداری رفاقت و ارتباطات می‌خواست که من هیچ‌وقت نداشتم».

او عبور از آن سال‌های سخت و محنت‌بار را مدیون فداکاری‌های همسری می‌داند که مانند بسیاری از زنان دلیر این مرز و بوم در پشت شوهر خویش ایستاد تا جبهه از رجوع فرماندهی شجاع و کارآمد خالی نباشد. ایثار و فداکاری خانم «مهری جعفری» در تمام دوران زندگی مشترک و مجروحیت همسر، واقعاً ستودنی است. رنج‌هایی که او در این دوران تحمل کرده است کم‌تر از ترکش‌های موج‌گرفتگی‌های همسرش نیست. اولین بار که به منزلشان رفتم، او را این‌گونه دریافتم: زنی مهربان، دقیق و حساس که مثل پروانه به گرد شوهرش می‌چرخید. هر جا که خللی در حافظه شوهرش پیدا می‌شد، با حساسیت وارد بحث می‌شد و نکات فراموش شده را با دقتی عجیب یادآوری می‌کرد. کوتاه بگویم که به معنای تمام کلمه خوشبخت بودند و رابطهٔ عاشقانه‌شان غبطه‌برانگیز می‌نمود و البته ثمرهٔ این رابطهٔ زیبا، وجود چهار فرزند صالحی است که هر کدام مدارج بالای تحصیلی را پیموده‌اند.

اما سخن درباره خود این کتاب و اینکه این خاطرات از چه لحاظ حائز اهمیت است، بحثی است که طرح آن خالی از فایده نیست. اگرچه در حوزه تاریخ شفاهی، ثبت و نگارش خاطرات جنگ مسئولیتی خطیر است و هریک از آثار منتشر شده در این زمینه دارای اهمیت و ارزش فراوان، اما کتاب «فرمانده تخریب» دارای ویژگی‌هایی است که آن را اثری زخوری می‌سازد. این ویژگی‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- (۱) رسم چهره جامعه در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران
 - (۲) روایت چگونگی تشکیل سپاه پاسداران و مسائل مربوط به آن
 - (۳) نگاهی به محاکم قضایی و دادگاه‌های انقلاب
 - (۴) چگونگی نسک‌نگاری تخریب در ساختار سپاه پاسداران
 - (۵) اهمیت ویژه یک نگرش در عملیات‌ها
 - (۶) ویژگی‌های خاص روحی و شخصیتی نیروهای تخریب
 - (۷) بیان تاریخچه تشکیل تیپ تندس نیلانی
 - (۸) نوع مجروحیت راوی
 - (۹) تشریح عملکرد و ساختار کمیته‌های پشتیبانی جنگ
- اثر حاضر بر اساس حدود ۴۳ ساعت مصاحبه در طی ۱۹ جلسه در بازه زمانی (۱۳۹۳/۶/۴ الی ۱۳۹۵/۶/۱) به نگارش درآمده است. در طول جلسات مصاحبه با توجه به آسیب‌دیدگی حنجره راوی، توصیه پزشکان معالج، ایشان نمی‌توانست بیش از ۲ ساعت صحبت کنند، اما با این حال گاهی که شور و حرارت مصاحبه بالا می‌گرفت، زمان مصاحبه از این مدت هم فراتر می‌رفت و ایشان با رغبت کامل تا پایان مصاحبه با من همراهی می‌نمودند.

گفتمنی است یکی از تمهیدات نویسنده برهم‌زدن شیوه روایت خطی در قسمت‌هایی از کتاب است. البته این شیوه تنها به کمک جابه‌جایی

زمانی رخدادها در خط سیر روایت است و نویسنده در بیان رویدادها دخل و تصرفی ننموده است. غرض از به کارگیری این شیوه، علاوه بر جذاب کردن روایت، ایجاد ارتباطی معنایی میان زنجیره حوادث در جهت کشف زوایای مختلف شخصیت راوی است.

از آنجا که بخش مهم خاطرات راوی از بحبوحه انقلاب، ورود ایشان به سپاه و متعاقباً ورود به عرصه جنگ آغاز می شود و دارای اطلاعات تاریخی ارزشمندی است، نویسنده در بخش های بعدی سعی نمود، است - خط سیر زمانی رویدادها را برهم نزند و روایت را به شیوه خطی پیش ببرد؛ زیرا برهم زدن توالی زمانی رویدادها باعث از هم گسیختن ارتباط تاریخی وقایع و تلف شدن اطلاعات ارزشمند و مستند آن می شود. از این رو بخش های آغازین این اثر با توجه به سنگین تر بودن کفه شخصیت راوی نسبت به کفه وقایع، از شیوه روایت غیرخطی و در بخش های دیگر که کفه اهمیت وقایع بر کفه شخصیت راوی می چربید، از شیوه روایت خطی استفاده شده است.

در پایان جا دارد از راهنمایی های تارشیاسان آقای محمد پرحلم، معاون فرهنگی هنری حوزه هنری گیلان، که مال تنکر را بنمایم و همچنین باید قدردان زحمات سرکار خانم زهرا اسمعیل باشم که در پیاده سازی و تایپ فایل های مصاحبه، با صبر و دقت این وظیفه را به نحوی مطلوب به انجام رسانده اند. امید است این اثر سالارزنده ای باشد از تاریخ مقاومت و رشادت های فرزندان این مرز و بوم که همه امنیت و اقتدار امروز خود را مدیون فداکاری های آنان هستیم.